

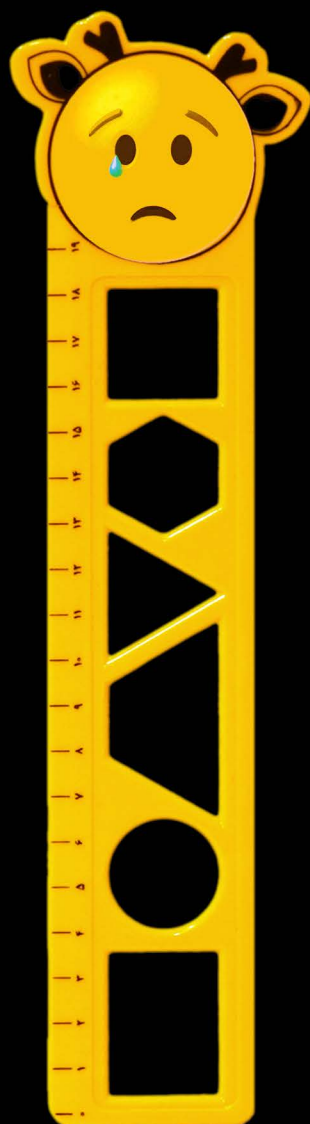
ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۶۸

۱۲ فروردین ۱۴۰۱ / ۱ آوریل ۲۰۲۲

حقوق ما

تنبيه بدنى در مدارس



در این شماره می خوانید:

وقتی که دیگر درس معلم «زمزمه محبت» نیست

با پخش چند ویدئو نمی توان جنبش معلمان را بدنام کرد

تنبیه بدنی کودکان و تجاوز به حق مالکیت بر بدن آنها

حسن مکاری: تحمیل عقاید یک اقلیت، کل جامعه را در ورطه خشونت قرار خواهد داد

تنبیه بدنی دانش آموزان در ایران؛ بازآفرینی رابطه آمریت و تابعیت از دوران کودکی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، آفاق ربیعی زاده، جواد عباسی توللی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

وقتی که دیگر درس معلم «زمزمه محبت»

نیست



نقی محمودی

شده است.

متأسفانه، واژه تنبیه در مدارس در تداول و افواه، تنبیه بدنی را به اذهان متبادر کرده است. هر چند که تنبیه صرفاً تنبیه بدنی را شامل نمی‌شود و بیشتر به معنی هشدار، اخطار و به هوش آوردن شخص مورد تنبیه است.

گرچه امروزه با تغییر سبک آموزشی مدارس، استخدام معلمانی با بینش متفاوت از معلمان گذشته و همچنین، توجه بیشتر والدین دانش‌آموزان به فرزندانشان، موضوع تنبیه بدنی مانند سابق در مدارس رواج ندارد، اما تنبیه‌های روحی و ارائه مشق شب به عنوان تنبیه نرم همچنان در برخی از مدارس رایج است. به شخصه، هنوز مشقت و عذاب و اذیت در روزهای تعطیل مدارس فراموشم نشده که مجبور بودم شبانه روز، مشق بنویسم و بدین ترتیب تمام طول تعطیل، زهرمارم می‌شد!

خشونت روحی و جسمی علیه کودکان و نوجوانان، چه در خانه و چه در مدرسه، انواع و اشکال مختلفی دارد و صرفاً منحصر به تنبیه بدنی نیست. اعمال این گونه تنبیهات و خشونت‌ها علیه کودکان و نوجوانان دانش‌آموز، علاوه بر ترک تحصیل و دانش، خود می‌تواند در چرخه‌ای کور، منشاء ارتکاب جرم در بزرگسالی شود. منشاء اکثر جرائم خشونت بار از سوی جوانان، به اعمال خشونت والدین و معلمان در کودکی و نوجوانی برمی‌گردد.

تعاریف و کلیات

تنبیه در لغت به معنای آگاه کردن، بیدار کردن و تأدیب به معنی ادب آموختن و کیفر می‌باشد.

نگاهی به لغت‌نامه‌ها، اطلاعات زیر را در اختیار ما می‌گذارد:

تأدیب. ادب آموختن کسی را. (منتهی الارب) (تاج المصاغر بیهقی) (زوزنی) (ناظم الاطباء). ادب کردن. (تاج العروس) (زوزنی). ادب دادن. (آندراج). آموختن طریقه نیک. (ناظم الاطباء). تربیت نمودن. (فرهنگ نظام): بوسه‌ها به روزگار گذشته تنگ‌حال بود و خدمت و تأدیب فرزندان خواجه کردی. (تاریخ بیهقی). عتاب و تنبیه و سیاست کردن. (از ناظم الاطباء). بازخواست کردن کسی بر کاری بد برای خواندن وی به حقیقت تربیت. (از اقرب الموارد). عقوبت. مجازات: اگر از کسی گناهی و تقصیری آمدی به زودی تأدیب نفرمودندی از جهت حق خدمت، اما او را بزندان فرستادندی. (نوروزنامه). همه را به عذبات عذاب تأدیب کرد. (ترجمه تاریخ یمینی).

بنا بر این، تنبیه به عنوان جزا، عذاب، عقوبت، کیفر، گوشمالی، مواخذه، مجازات، ادب، اصلاح، تربیت، فرهیختن، تربیت کردن، ادب کردن و ادب آموختن، در ترادف با تأدیب، استعمال

تنبیه دانش‌آموزان در آئینه نامه انضباطی مدارس

آئین‌نامه انضباطی دانش‌آموزان، مشتمل بر ۱۷ ماده و هشت تبصره در پانصد و چهل و چهارمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۷۱/۰۴/۲۵ به تصویب رسیده است. از مزایای این آئین‌نامه، می‌توان به تشویق دانش‌آموزان موازی با تنبیه آنان اشاره کرد.

موارد تخلف و تنبیه انضباطی دانش‌آموزان

ماده ۷- تقصیر و سهل‌انگاری نسبت به انجام وظایف و مندرج در ماده ۲ تخلف محسوب می‌شود.

ماده ۸- مدیریت، ستاد تربیتی، معاونان، معلمان و مربیان موظفند قبل از اعمال هرگونه تنبیه به وضع موقعیت محصل آگاهی یابند و در جستجوی انگیزه و علت تخلف برآیند و حتی المقدور و با راهنمایی و بر طرف کردن علت، از تنبیه و تکرار تخلف پیشگیری نمایند.

ماده ۹- محصلین متخلفی که سایر راهنمایی‌ها و چاره‌جویی‌های تربیتی در آنها مفید و موثر نمی‌افتد، با رعایت تناسب و ترتیب وجهات مندرج در ماده ۸ مورد تنبیه قرار می‌گیرند.

۱-۹ تذکر و اخطار شفاهی به طور خصوص

۲-۹ تذکر و اخطار شفاهی در حضور چند نفر از محصلینی که شاهد تخلف بوده‌اند.

۳-۹ اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش‌آموز (بدون درج در پرونده او)

۴-۹ اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش‌آموز (با درج در پرونده او)

۵-۹ اخطار کتبی و تقلیل نمره انضباط (هر مرتبه حداکثر دو نمره و تا هشت نمره، با درج در پرونده او)

۶-۹ اخراج موقت از واحد آموزشی با اطلاع قبلی ولی دانش‌آموز، حداکثر برای مدت سه روز (در این‌گونه موارد با گرفتن تعهد از دانش‌آموز و ولی او، می‌تواند به مدرسه بازگردد)

۷-۹ تغییر کلاس، در صورت وجود کلاس‌های مکرر (حتی المقدور بدون اعلام علت تغییر به دیگر دانش‌آموزان)

۸-۹ انتقال به مدرسه دیگر در پایان سال تحصیلی برای مدت یک سال یا بیشتر (در این‌گونه موارد لازم است وضع تحصیلی و تربیتی و اطلاعات ضروری دیگر که برای تربیت و اصلاح دانش‌آموز مفید می‌باشد، به اطلاع مدیریت مدرسه جدید برسد)

۹-۹ انتقال به واحد آموزشی دیگر در طول سال تحصیلی (این اقدام منحصراً به هنگام ضرورت و با صلاحدید موافقت هسته مشاوره منطقه آموزشی خواهد بود)

۱۰-۹ در صورتی که دانش‌آموزی به علت ناسازگاری و تخلفات مکرر، سه مرتبه از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر منتقل شود و به وسیله ستاد تربیتی آخرین مدرسه تشخیص داده شود که نظم آموزشی و تربیتی را بر هم می‌زند و موجب انحراف و گمراهی دانش‌آموزان می‌گردد، تا مدتی که شورای بررسی و مشکلات تربیتی اداره کل آموزش و پرورش استان به استناد دلایل ستاد تربیتی مدرسه و هسته مشاوره منطقه آموزشی معین می‌کند، از حضور در مدارس محروم می‌گردد و از اولیاء او خواسته می‌شود که تعلیم و تربیت و بهسازی رفتار فرزند خویش را بیرون از واحدهای آموزشی بر عهده گیرند و بهتر مراقبت نمایند.

بر اساس ماده ۷۴ این آئین‌نامه: قصور و سهل‌انگاری دانش‌آموزان نسبت به انجام وظایف خود تخلف محسوب می‌شود. مدیر، شورای مدرسه، معاونان و مربیان موظف‌اند قبل از اعمال هر گونه تنبیه از وضع و موقعیت محصل آگاهی یابند و در جستجوی انگیزه و علت تخلف برآیند و نسبت به رفع آن اقدام کنند.

مطابق ماده ۷۷ آئین‌نامه انضباطی مدارس: اعمال هرگونه تنبیه از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکالیف درسی جهت تنبیه ممنوع است، اما برای برخورد با تخلفات احتمالی دانش‌آموزان، قانون سلسله مراتبی را بر اساس اصول تربیتی تعیین کرده است که برای تنبیه دانش‌آموزان باید به آن توجه شود.

پس از طی مراحل مذکور و در صورتی که روش‌های تربیتی در دانش‌آموز موثر نباشد، در این صورت ماده ۷۶ آئین‌نامه انضباطی انواع تنبیه برای دانش‌آموزان را تعیین کرده است.

بر اساس این ماده: دانش‌آموزان متخلفی که راهنمایی‌ها و چاره‌جویی‌های تربیتی در آن‌ها مفید و مؤثر نمی‌افتد، با رعایت

تناسب به یکی از روش‌های زیر مورد تنبیه قرار می‌گیرند:
تذکر و اخطار شفاهی به طور خصوصی
تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش‌آموزان کلاس مربوط
تغییر کلاس، در صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه با
اطلاع، ولی دانش‌آموز
اخطار کتبی و اطلاع به، ولی دانش‌آموز
اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش‌آموز، حداکثر
برای مدت سه روز انتقال به مدرسه دیگر.
همانطور که به صراحت در این ماده و ماده ۷۷ اشاره شده است،
تنبیه بدنی و یا هرگونه توهین و تحقیر دانش‌آموز جایگاهی در
اصول تربیتی و آموزشی مدارس نداشته و هیچ کس حق ندارد به
استناد تخلف دانش‌آموزان، اقدام به تنبیه آن‌ها کند.
شایان ذکر است سوابق تنبیه و تخلف دانش‌آموز در پایان هر
سال تحصیلی از بین خواهد رفت تا سابقه نامناسبی برای دانش
آموز باقی نماند. البته نتیجه اقدامات در نمره انضباط منعکس
می‌شود.

طبق آئین‌نامه مذکور مدیر موظف است که با همکاری معلمان،
مربیان و شورای دانش‌آموزی، وظایف دانش‌آموزان و تنبیهات
و تشویقات مقرر در این آئین‌نامه را به تناسب سن و فهم دانش
آموز به او آموزش دهد؛ بنابراین تنبیه‌های مجاز در قانون عبارت
است از تذکر و اخطار شفاهی به طور خصوصی، تذکر و اخطار
شفاهی در حضور دانش‌آموزان کلاس مربوط؛ تغییر کلاس در
صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه با اطلاع، ولی دانش
آموز، اخطار کتبی و اطلاع به دانش‌آموز، اخراج موقت از مدرسه
با اطلاع قبلی، ولی دانش‌آموز به مدت حداکثر سه روز و بالاخره
انتقال به مدرسه دیگر.

تنبیه غیر مجاز

تنبیهات غیر مجاز عبارتند از تنبیه بدنی، اهانت و تعیین
تکالیف درسی غیر متعارف که به لحاظ تنبیه دانش‌آموز صورت
می‌گیرد. در ماده ۷۷ آئین‌نامه اجرایی مدارس در خصوص
تنبیه بدنی آمده است: «اعمال هرگونه تنبیه از قبیل اهانت،
تنبیه بدنی و تعیین تکالیف درسی به منظور تنبیه ممنوع
است.»



طبق آئین‌نامه مذکور مدیر مدرسه موظف است ممنوعیت تنبیه
بدنی را به اطلاع همکاران خود برساند و نیز بیان کند که در
صورت تخلف معلمان از این تکلیف گزارش آن به اداره آموزش
و پرورش ارائه خواهد شد. در صورت سرپیچی از این تکلیف،
متناسب با اعمال و رفتار فرد متخلف حکم صادر می‌شود.
علاوه بر مجازات یاد شده، طبق قانون مجازات اسلامی اهانت و
توهین، چه از سوی معلم و چه از سوی اشخاص دیگر مستوجب
مجازات است.

رسیدگی به تخلف معلمان

یکی از وظایف مدیر مدرسه که در آئین‌نامه انضباطی مدارس
نیز به آن اشاره شده است، توجیه همکاران مدرسه در خصوص
شرایط تنبیه دانش‌آموزان است. بر اساس ماده ۸۲ آئین‌نامه،
مدیر مدرسه موظف است ممنوعیت تنبیه بدنی را تذکر دهد و
در صورت مشاهده تخلف، مراتب را جهت اطلاع و اقدام لازم به
اداره آموزش و پرورش منطقه گزارش دهد.
در صورتی که یکی از معلمان، مربیان یا یکی از اولیای مدرسه
اقدام به تنبیه بدنی یا تحقیر و توهین دانش‌آموزان کند، مدیر
مدرسه موظف است گزارش این اقدام را به آموزش و پرورش
منطقه اطلاع دهد، آموزش و پرورش نیز موظف با احضار فرد
خاطی به تخلف وی رسیدگی و حکم مقتضی در این خصوص
را صادر کند.

مسئولیت کیفی معلم در تنبیه بدنی و توهین به دانش‌آموزان
اگر معلمی مبادرت به ضرب و جرح دانش‌آموزی کند، مسئول
کیفری رفتار مجرمانه خود است. طبق قانون مجازات اسلامی،
مجازات عمومی که در ضرب و جرح عمدی و به تناسب نوع
و اهمیت آن، برای اشخاص اعمال می‌شود، قابل اعمال به
معلمان نیز هست. مجازات مقتضی، طبق قانون مجازات
اسلامی، پرداخت دیه است. البته با توجه به نوع ضرب و جرح،
ممکن است، حکم قصاص هم صادر شود.

ممکن است معلمی در حین ضرب و جرح نسبت به دانش
آموزی، از الفاظ رکیک استفاده نماید، در این صورت به مجازات
جرم توهین، محکوم خواهد شد.

طبق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های

بازدارنده) اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد [مستوجب] جزای نقدی درجه شش خواهد بود.

البته، توهین منحصر به بیان الفاظ رکیک نیست بلکه شامل نوشته، پیام تلفنی، ایمیل و حتی فعل توهین‌آمیز هم می‌شود. سوء نیت خاص در جرم توهین، عبارت از قصد تحقیر مجنی علیه. هر چند که ضرب و جرح و توهین به دانش آموزان در حضور سایر دانش آموزان صورت می‌گیرد ولی علنی بودن توهین، شرط تحقق جرم نیست. همچنین، ملاک توهین‌آمیز بودن الفاظ رکیک، عرف محلی تعیین شده است.

تنها معلمان نیستند که در سیستم معیوب آموزشی ایران از روز نخست تا به امروز، حق تنبیه کودکان را دارند. بلکه افراد دیگری از قبیل سرپرستان کودکان بی‌سرپرست، والدین، جد پدری، قیم و وصی هم می‌توانند، کودک را شکنجه و یا در اصطلاح شسته رفته‌ی آن «تنبیه» کنند. اگر چه صراحتاً به معلمان چنین حقی در قوانین شناخته نشده ولی برای افراد فوق‌الذکر به صراحت در قانونگذاری ایران، حق و حقوقی شناخته شده است

اعطاء مجوز تنبیه بدنی به والدین، جد پدری، قیم، وصی و سرپرست کودکان بی‌سرپرست

الف- اعطاء مجوز تنبیه کودکان به والدین در قانون مدنی:

ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، حق و مجوز کلی تنبیه کودکان را به والدین اعطاء کرده است مشروط بر این که تنبیه «خارج از حدود تأدیب» نباشد. ملاک و معیار تأدیب خارج از حدود، در این ماده تبیین نشده و این که تشخیص این امر بر عهده کدام مرجع و یا شخص قانونی مسئول است.

ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی: هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضاییه تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱- اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار

۲- اشتها به فساد اخلاق و فحشا

۳- ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی

۴- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی

مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق

۵- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف

مقصود از «تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف» در بند ۵ ماده ۴۲ مذکور مشخص نیست. این که تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف، بایستی چند بار اتفاق بیفتد تا کسی دلش به حال کودک تحت تنبیه بسوزد!

ب- اعطاء مجوز تنبیه کودکان به والدین سایر اشخاص در قوانین مجازات:

۱- در قوانین کیفری قبل از بهمن ۵۷:

طبق ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، یکی از اعمالی که جرم محسوب نمی‌شد، اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنان انجام شود مشروط به اینکه در حدود متعارف تأدیب و محافظت باشد.

طبق مقررات این ماده، نه تنها والدین، که به دلخواه خود می‌توانستند هر گونه شکنجه را تحت عنوان «تنبیه» به کودکان خود اعمال کنند، اشخاصی هم که به عنوان سرپرستان کودکان و محجورین تعیین می‌شدند، حائز چنین حقی بودند.

۲- در قوانین کیفری بعد از بهمن ۵۷:

مقررات ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ عیناً در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، تکرار شده است.

در بخش چهارم قانون مجازات اسلامی در باب شرایط و موانع مسئولیت کیفری، ماده ۱۵۸ به مواردی اختصاص یافته است که ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، قابل مجازات نیست. بند ت ماده مذکور اشعار می‌دارد: اقدامات والدین، اولیای قانونی، سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد. مقررات این ماده در قانون مجازات قبلی در ماده ۵۸ و اعمالی که جرم محسوب نمی‌شوند، تقنین شده بود.

با پخش چند ویدئو نمی‌توان جنبش معلمان را بدنام کرد

گفت‌وگو با مسعود کردپور



جواد عباسی تولی

به کودکان در ایران، پدیده‌ای است که در بستر خلأهای حمایتی و قانونی از کودکان شکل گرفته و پیوندی ناگسستنی با فرهنگ مسلط مردسالار در جامعه و روابط نامتوازن قدرت میان کودک و بزرگسال دارد.

از سوی دیگر، تنبیه بدنی کودکان در ایران، در گذشته، همواره به‌عنوان راهکاری مناسب برای بیدار کردن، هوشیار ساختن و تربیت کردن کودکان، به‌کار گرفته شده است. با رجوع به فرهنگ عامه هم می‌توان دریافت که در ارتباط با این روش تربیتی خشونت‌آمیز، جامعه ایرانی از یک سنت قوی هم برخوردار است.

در سال‌های اخیر، در جامعه ایران اما به سبب پیشرفت تکنولوژی و دسترسی اکثر شهروندان به شبکه‌های اجتماعی و تغییر الگوهای رفتاری از سنتی به مدرن، تغییرات عرفی زیادی هم شکل گرفته که حاملان بخش زیادی از این تغییرات، گروه‌های سنی نوجوان و جوان هستند. این در حالی است که نظام آموزشی ایران به‌عنوان مهمترین عامل توسعه پرورش ذهنی در جامعه، در بسیاری از موارد، همچنان از الگوهای سنتی و غیر مدرن پیروی می‌کند.

با وجود آنکه دولت ایران عضو کنوانسیون حقوق کودک است و همچنین علی‌رغم اینکه قوانین در ایران هرگونه تنبیه بدنی در مدارس را ممنوع کرده‌اند اما اعمال خشونت در مدارس ایران در اشکال مختلف همچنان رایج است.

برخی منتقدان بر این باورند که یکی از راهکارهای اصلی برای کاهش خشونت در مدارس ایران، برگزاری دوره‌های آموزشی مربوط به موضوع تنبیه دانش آموزان و نحوه مواجهه با کودکان برای معلمان است.

عدم برخورداری معلمان از آموزش کافی اما تنها دلیل رواج خشونت در مدارس ایران نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد وجود کلاس‌های پرجمعیت، به‌کارگیری روش‌های آموزشی نه چندان مدرن و همچنین نبود فضای کافی برای ورزش و تفریح دانش آموزان، از جمله دیگر عوامل بروز و تشدید خشونت در مدارس است.

«انجمن حمایت از حقوق کودکان» که یک نهاد مدنی برای حمایت از کودکان در ایران است، در روزهای اخیر در بیانیه‌ای تأکید کرده است که خشونت ورزی از جمله تعرض

در ماه‌های اخیر چند ویدئو از تنبیه بدنی دانش‌آموزان توسط معلم خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. دست به دست شدن این ویدئوها که برخی از آنها مربوط به سال‌های گذشته است، برخی انتقادها را متوجه نقص‌های موجود در سیستم آموزشی کشور و همچنین نحوه مواجهه معلمان با دانش‌آموزان کرده است.

یک فرضیه دیگر این است که انتشار این ویدئوها، هم‌زمان با اوج گرفتن اعتراضات سراسری معلمان در کشور، یکی از راهکارهای نهادهای امنیتی برای کاستن از محبوبیت اجتماعی معلمان و ایجاد فضای منفی علیه آنها در افکار عمومی است.

مجله حقوق ما، برای بررسی ارتباط احتمالی انتشار این ویدئوها با اعتراضات سراسری معلمان در ایران، با مسعود کردپور، سردبیر آژانس خبری «موکریان» و فعال صنفی معلمان در ایران، گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما: چرا اخیراً و هم‌زمان با تجمع سراسری معلمان در ایران، چند فیلم از تنبیه کودکان در مدارس منتشر شده است؟ برخی از این فیلم‌ها هم مربوط به سال‌های گذشته است؟ ارزیابی شما چیست؟ آیا فکر نمی‌کنید انتشار این فیلم‌ها، برای بدنام‌سازی معلمان باشد؟

کرد پور: ابتدا باید گفت تنبیه بدنی سال‌هاست که طی بخشنامه‌های رسمی که به مدارس ابلاغ شده، ممنوع شده است اما در برخی از مدارس هنوز این مساله به دلایل مختلف از جمله شلوغ بودن و غیر قابل کنترل بودن کلاس‌های درس، وجود دارد. در چنین شرایطی، برخی از معلمان ممکن است دچار تنش عصبی شده و دانش‌آموزان را تنبیه بدنی کنند. از طرف دیگر، بیشتر دانش‌آموزان گوشی هوشمند دارند و می‌توانند رویدادهای اینچنینی را به صورت گسترده در مدارس ضبط و منتشر کنند و به این ترتیب به نوعی این مساله بزرگ‌نمایی می‌شود. همچنین باید این نکته را هم در نظر داشت که حکومت ایران

به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود تا جلوی اعتراضات مردمی از جمله اعتراضات معلمان را بگیرد. ممکن است این مساله تا حدی درست باشد اما من فکر نمی‌کنم پخش چند فیلم بتواند تأثیر زیادی بر اقدام جمعی معلمان کشور و بدنام‌سازی آنها داشته باشد.

در حال حاضر ۱۲ الی ۱۳ میلیون دانش‌آموز در سراسر کشور وجود دارند و همه خانواده‌ها فرزندان خود را به مدارس می‌فرستند. به نظر من با پخش کردن چند ویدئو نمی‌توان



معلمان را بدنام کرد. پخش این ویدئوها را بیشتر می‌توان جزو حوادث تلقی کرد و نه به عنوان یک روال عادی در مدارس. فرهنگیان جزو اقشار بسیار دوست‌داشتنی در بین مردم هستند و جامعه ارتباط تنگاتنگی با همه معلمان دارد. بر همین اساس من فکر نمی‌کنم با چنین اقداماتی بتوان محبوبیت اجتماعی معلمان را از بین برد.

حقوق ما: به نظر شما چرا تنبیه از گذشته تا امروز در

مدارس ایران وجود دارد؟

تنبیه بدنی کودکان، بخشی از خشونت‌هاست که از گذشته‌های بسیار دور وجود داشته است. این پدیده، پیش از تأسیس مدارس امروزی و در مکتب‌ها و حوزه‌های علمیه رایج بوده و حتی پس از تأسیس مدارس مدرن در کشور هم به سیستم آموزشی جدید هم سرایت کرده است. در قرون گذشته، در همه جوامع از جمله ایران، خشونت به عنوان بخشی از روابط اجتماعی جریان داشته است. تنها در دهه‌های اخیر و با توجه به تحولاتی که در حقوق شهروندی و حقوق بشر ایجاد شده، دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید حقوق همه افراد از جمله دانش‌آموزان را به رسمیت شناخت و رعایت کرد. بر همین اساس در قوانین مدرن و جوامعی که بر پایه این قوانین تشکیل یافته، مسأله تنبیه بدنی کودکان منع شده است.

در ایران، بیشتر میانسالان و افراد سالمند، در دوره دانش‌آموزی خود، تنبیه بدنی را تجربه کرده‌اند. حتی در آن دوره، والدین از معلمان می‌خواستند که فرزندشان را به هر وسیله و روشی که می‌تواند وادار به درس خواندن کند.

حقوق ما: در حال حاضر اگر معلمی دانش‌آموز خود را تنبیه بدنی کند، آموزش و پرورش با این معلم چه برخوردی خواهد داشت؟

کرد پور: در چنین مواردی اگر خشونت اعمال شده در حد غیر معمول روی داده باشد، والدین می‌توانند در دادگاه‌های عمومی از معلم خاطی شکایت کنند. در حال حاضر مسئولان مدارس اما بیشتر تلاش می‌کنند چنین مسایلی در فضای مدرسه حل شود و میان دانش‌آموز، خانواده او و معلم خاطی تفاهم ایجاد کنند.

همچنین در صورت لاینحل ماندن موارد مربوط به تنبیه بدنی دانش‌آموزان در مدارس، سیستم تخلفات اداری در ادارات آموزش و پرورش مسئول پیگیری شکایات انجام شده در این زمینه است. تخلفات اداری هم پس از بررسی پرونده معلم خاطی، مجازات‌هایی را برای او در نظر می‌گیرد.

تنبیه بدنی کودکان و تجاوز به حق مالکیت بر بدن آنها

گفت‌وگو با حسن نایب هاشم



جواد عباسی توللی

رئیس حوزه قضایی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل خواهد کرد.

این در حالی است که در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، تنبیه کودکان رسماً به عنوان «یک حق» قلمداد شده و ابویین (پدر، مادر یا قیم قانونی) می‌توانند «طفل خود» را تنبیه کنند.

تنبیه بدنی دانش آموزان در مدارس ایران اما از جمله نمونه‌های مشهود کودک آزاری است که در سال‌ها و ماه‌های اخیر ویدئوهایی از آن هم در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

بر اساس شواهد موجود، «سرپانگاه داشتن رو به دیوار، پس گردنی زدن، گوش دانش آموز را پیچاندن، با لگد دانش‌آموز را زدن، سیلی زدن و با خط کش زدن» نمونه‌هایی از رایج‌ترین تنبیهات فیزیکی‌ای هستند که هنوز در مدارس ایران به صورت عمومی رواج دارند.

مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر مساله تنبیه بدنی در مدارس با حسن نایب هاشم، پزشک و مدافع حقوق بشر گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما: به نظر شما، با وجود تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در حمایت از کودکان که برخی از آنها به امضای

طبق کنوانسیون جهانی حقوق کودک، منظور از «کودک»، افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است، در حالی که این مفهوم، در قوانین داخلی ایران با «طفل» یا «صغیر» جایگزین شده و همین امر موجب شده تا نتوان بر اساس استانداردهای بین‌المللی، تعریف حقوقی دقیقی از کودک در ایران ارائه داد.

بر اساس «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹، «طفل»، صرفاً فردی است که به «بلوغ شرعی» نرسیده باشد. همچنین، «نوجوان» هم فردی شناخته شده که به «بلوغ شرعی» رسیده است.

مهم‌ترین ایراد حقوقی این تعریف از کودک، ایجاد اغتشاش میان مفهوم حقوقی کودک و مفهوم فقهی «طفل» است.

«کودک‌آزاری» مشتمل بر چهار وجه عاطفی (روانی)، بدنی، جنسی و بی‌توجهی است. در ایران طبق مفاد مندرج در «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان»، هر کس مرتکب یکی از این آسیب‌های چهارگانه به کودکان شود، به مجازات‌هایی نظیر حبس، قصاص و پرداخت دیه محکوم می‌گردد.

همچنین، بر اساس ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی، هرگاه ولی قانونی یک کودک مرتکب اقداماتی شود که موجب آسیب رسیدن به کودک شود، آنگاه «به تقاضای یکی از اقارب وی یا به درخواست

بدین معناست که باید بدون هیچ‌گونه تبعیض از جمله اعمال تبعیضی سنی، کرامت همه انسان‌ها رعایت شود. بر همین مبنا، باید حق مالکیت بر بدن خود، برای کودکان به رسمیت شناخته شود تا تمامیت انسانی او خدشه دار نشود. حق مالکیت بر بدن، از اصول اساسی‌ای است که از بدو تولد تا آخر عمر باید به رسمیت شناخته شود.

بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک هم به تصویب سازمان ملل متحد رسیده و در حال حاضر به عنوان یک منشور جهان شمول محسوب می‌گردد. در مواد ۲، ۱۹، ۳۷ و ۳۹ این کنوانسیون، به موارد مربوط به ممنوعیت تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار از جمله سوءاستفاده جنسی و همچنین ممنوعیت شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی علیه کودکان پرداخته شده است. کنوانسیون حقوق کودک، به عنوان یک مبنای حقوقی بسیار جدی برای مدافعان حقوق بشر در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود.

یک پیمان نامه جهانی دیگر معروف به «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد رویه ارتباطات» وجود دارد که هنوز به تصویب بسیاری از کشورهای جهان نرسیده است. مطابق این کنوانسیون، کودکان در صورتی که با نقض حقوق خود مواجه شوند، حق شکایت دارند.

بدن هر فرد باید جزو مهم‌ترین مایملک او حساب شود و هیچ‌کس نباید بدون اجازه خود او به این حق تعدی کند. تنبیه بدنی کودکان اما به نوعی تجاوز به حق مالکیت بر بدن آنها محسوب می‌شود و حتی می‌توان آن را در زمره شکنجه به حساب آورد. خوشبختانه در سراسر دنیا قوانین محدود کننده‌ای در زمینه اعمال تنبیه بدنی علیه کودکان به تصویب رسیده است. کنترل این پدیده در هر جامعه‌ای می‌تواند از مدارس آغاز شود. برای نمونه در بسیاری از کشورهای اروپایی، نه تنها در مدرسه بلکه در خانه هم تنبیه کودکان به عنوان عملی غیر قانونی شناخته می‌شود. در این کشورها همچنین کودکان خشونت دیده می‌توانند به پلیس و مراجع قضایی هم شکایت کنند. در ایران



دولت ایران هم رسیده، چرا تنبیه بدنی همچنان در مدارس ایران جاری است؟ آیا می‌توان گفت بخشی از دلایل رواج این پدیده در مدارس، ناشی از سنت‌ها و فرهنگ عمومی جامعه ایران است؟

نایب هاشم: مقوله حقوق بشر به طور کلی، مقوله جدیدی در دنیا محسوب می‌شود و تنها در چند ۱۰ سال اخیر در جهان عمومیت یافته است. در قرون و دهه‌های گذشته، همه جوامع، به صورت تاریخی از تنبیه بدنی در خانواده‌ها و مدارس استفاده کرده‌اند و هنوز هم در برخی کشورها این پدیده رواج دارد. در حال حاضر، خشونت فیزیکی در مدارس، در ۱۲۸ کشور در سراسر جهان ممنوع شده و فقط در کشورهای معدودی همچنان تنبیه بدنی دانش آموزان رواج دارد.

در بند اول اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده که تمام انسانها آزاد زاده شده و در کرامت و حقوق با یکدیگر برابرند. این

هم از سال ۱۳۷۹، مطابق آئین نامه اجرایی مدارس، تنبیه بدنی دانش آموزان، به عنوان عملی غیر قانونی شناخته می‌شود اما با وجود تصویب چنین قوانینی، متأسفانه در ایران همچنان مجازات بدنی در برخی از مدارس رواج دارد. نباید در بدن یک فرد دردی را ایجاد کرد تا او از عملی که مطابق میل نیست، صرف نظر کند.

از طرف دیگر، مجازات‌های بدنی رایج در اجتماع از جمله اعدام، رواج شکنجه در زندان‌ها و پدیده‌هایی مانند ناقص سازی جنسی زنان که در بسیاری از کشورها هنوز وجود دارد و به تمامیت جسمی انسان لطمه وارد می‌کند هم می‌تواند به ترویج فرهنگ خشونت در جامعه دامن بزند.

حقوق ما: آیا تنبیه خشن بدنی که در مدارس ایران رواج دارد، یک روند سیستماتیک و دولتی است؟

نایب هاشم: متأسفانه بله، در جامعه خشونت زده ایران که در آن اعدام کودکان، اعدام بزرگسالان، قطع عضو و مواردی از این دست، توسط کسانی که صاحب قدرت و امکانات دولتی هستند، در ملاء عام اجرا می‌شود و دولت هم بابت این اقدامات خود نه تنها پاسخگو نبوده بلکه از مصونیت برخوردار است، رواج خشونت در مدارس هم می‌تواند وجود داشته باشد.

در چنین فضایی، برخی از آموزگاران و دیگر کارکنان مدارس این اجازه را به خود می‌دهند تا عمدتاً دانش آموزان ضعیف و محروم را مورد آزار و اذیت بدنی قرار دهند. جامعه ایران در تمامی عرصه‌ها مملو از خشونت است و علی‌رغم تصویب آیین‌نامه‌های انضباطی، خشونت در مدارس هم جریان دارد. بنابراین می‌توان گفت خشونت در مدارس ایران یک روند نظام‌مند است.

به نظر من، به ویژه زمانی که کرامت کودکان از ابتدا در خانواده‌ها حفظ شده و والدین، حقوق فرزند خود را رعایت کرده باشند، در چنین شرایطی، خشونت علیه کودکان در مدارس دردناک‌تر خواهد بود. برای چنین کودکانی، مواجهه با خشونت موجود در جامعه هم بسیار آسیب‌زا تر خواهد بود.



حسن مکارمی:

تحمیل عقاید یک اقلیت، کل جامعه را در ورطه خشونت قرار خواهد داد



آفاق ربیعی زاده

بررسی مساله رواج تنبیه بدنی در مدارس ایران، این پرسش‌ها را از حسن مکارمی، روانکاو و مدافع حقوق بشر پرسیده است.

پرسش: در ماه‌های گذشته فیلم‌هایی از تنبیه کودکان در مدرسه‌ها منتشر شده است. تنبیه کودکان در ایران چه پیامدی به دنبال داره و پیامد چرخش خشونت در یک نسل چیست؟

پاسخ: به نظر من باید از یک موضع کلی‌تر به این موضوع نگاه کرد. نمی‌توان حضور یک کودک را در خانه، کوچه و مدرسه از یکدیگر جدا کرد و باید این محیط‌ها را پیوسته و مرتبط با هم دانست.

به نظر من در این زمینه می‌توان سه عامل عمده را بر شمرد. یک: فضای عمومی جامعه ایران که به سمت خشونت زیاد در حرکت است. دوم: عدم تربیت درست کودکان است که به آنها یاد داده نشده که کسی حق ندارد با آنها با خشونت رفتار کند و کودک ایرانی نیاموخته که باید از بدن خود دفاع کند. سوم: نبود آموزش‌های لازم به معلمان برای برخورد با دانش آموزان.

مدرسه نخستین محیطی است که کودک در آنجا متوجه می‌شود مکانی وجود دارد و این مکان طبق یک سری قوانین اداره می‌شود.

میشل فوکو پاسخ به پرسش شما را تئوریزه کرده است. او می‌پرسد: اگر مغز انسان به عنوان فرمانده و تصمیم گیرنده

طبق ماده ۱۹ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک که دولت ایران در دهه ۷۰ شمسی آن را امضاء کرده، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار از جمله سوءاستفاده جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل آورند.

این در حالی است که خلاءها و کمبودهای قانونی در زمینه حمایت از کودکان در ایران به نحوی است که برای نمونه، بر اساس ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، تنبیه کودکان رسماً به عنوان «یک حق» تلقی شده و ابوبین (پدر، مادر یا قیم قانونی) می‌توانند «طفل خود» را تنبیه کنند. همچنین در این ماده قانونی، هیچ‌گونه اشاره‌ای هم به نوع و روش اعمال تنبیه، نشده است.

رواج تنبیه بدنی در مدارس، یکی از وجوه کمبود قوانین حمایتی از کودکان در ایران محسوب می‌شود.

خشونت فیزیکی علیه کودکان در مدارس ایران چه پیامدهایی به دنبال دارد؟ نتیجه تداوم چرخه خشونت از یک نسل به نسلی دیگر در اجتماع ایران چه خواهد بود؟ حقوق ما، برای

محسوب می‌شود و برای انجام کارهای خوب یا بد تصمیم می‌گیرد، پس چرا باید بدن را مورد آزار (مجازات) قرار داد؟ رسیدن به چنین اصل و مرحله‌ای، از نظر سنت‌ها و قوانین اجتماعی حاکم بر تمدن انسانی، یک اصل کلی است. اصلی است که در هر جامعه‌ای، از پدر و مادر در محیط خانه شروع شده و به محیط‌های دیگر از جمله به مدرسه کشیده می‌شود. تنبیه بدنی در بین خانواده‌ها و در مدارس ایران همیشه وجود داشته و فقط شدت و حدت آن، در مناطق و شهرهای مختلف، متفاوت بوده است. من فکر می‌کنم یکی از دلایل انتشار فیلم‌های مربوط به تنبیه در مدارس، وجود گوشی‌های هوشمند و امکان فیلم‌برداری برای دانش‌آموزان است. از طرف دیگر، عدم کنترل آموزگار بر رفتار خود، منجر به تنبیه دانش‌آموز می‌گردد.

همچنین، یکی از دلایل بروز تنبیه بدنی در مدارس، مربوط به دانش‌آموزان است که به دلیل نوع ترتیب خود، احترام معلم‌شان را رعایت نمی‌کنند. در واقع، عوامل زیادی در جامعه وجود دارد که یک کودک از مسیر سنتی دانش‌آموز بودن خارج شود. از آنجایی که معلم هم آموزشی برای حل مشکلات روانی کودکان ندیده، احتمال اینکه از روش‌های خشونت‌آمیز استفاده کند، زیاد است.

پرسش: آیا خشونت در مدارس ایران صرفاً به تنبیه بدنی دانش‌آموزان توسط معلمان محدود می‌شود یا می‌توان آن را سطوح دیگری هم دید؟

پاسخ: در هر گروه انسانی، یک سری قوانین برقرار می‌شود. برای نمونه یک عده‌ای از دانش‌آموزان که از لحاظ فیزیکی قوی‌تر هستند، سعی در تسلط بر دانش‌آموزان دیگر دارند. به عنوان مثال، در حال حاضر یکی از عمده‌ترین مشکلات رایج در مدارس آمریکا، باج‌گیری دانش‌آموزان قوی‌تر از دانش‌آموزان ضعیف‌تر است. مسئولیت جلوگیری از چنین خشونت‌هایی در هر جامعه‌ای، بر عهده مسئولان مدارس است.

از طرف دیگر، تعداد بالای دانش‌آموزان در یک کلاس در مدارس ایران، باعث می‌شود کادر آموزشی امکان رسیدگی به همه دانش‌آموزان را نداشته باشد. یکی از مشکلات همیشگی مدارس در ایران همین مساله بوده است.

همچنین، میزان قانون‌مندی و کارآیی مدارس در ایران بستگی

به اعتباری دارد که حکومت به سیستم آموزشی می‌دهد. در ایران شغل معلمی، یکی از کم‌درآمدترین مشاغل اداری محسوب می‌شود.

از طرف دیگر، یکی از مشکلات بسیار عمده در ۴۳ سال گذشته این بوده که مدارس که به عنوان محیطی برای آموزش علوم انسانی به افراد است، در فرع قرار گرفته و در مقابل، مدارس معممین شیعه یا همان حوزه‌های علمیه به عنوان اصل مورد توجه قرار گرفته‌اند. این ترتیب بندی، این اصل و فرع بودن، از ساختمان‌هایی که برای حوزه‌های علمیه ساخته می‌شود گرفته تا تخصیص بودجه به چنین مکان‌هایی، خود را نشان می‌دهد. باید گفت این رویه‌ریال یعنی آموزش معممین شیعه، در تضاد با علم قرار دارد. حتی بنیان‌گذار حکومت فعلی ایران به صراحت اعلام کرده بود: «آنچه ما می‌کشیم از دانشگاه‌هاست.»

این حکومت از ابتدا تلاش داشته مراکز آموزشی علمی را از تاریخ و فلسفه و هر آنچه مربوط به تمدن است را تهی کند. به همین دلیل، در زمان استخدام معلمان در ایران، تخصص یک معلم، فرع است و اصل، اطلاع افراد از مسائل دینی و مذهبی است. به نظر من، اعمال چنین روش‌هایی، بالاترین خشونت در حق معلمان و دانش‌آموزان در جامعه ایران است.

پرسش: به آموزش ایدئولوژیک و خشونت‌های نهفته در آن اشاره کردید. آیا اعمال تفکیک جنسیتی، تبعیض‌های اثنیکی و عقیدتی را می‌توان به عنوان بخشی از خشونت جاری بر دانش‌آموزان در ایران دانست؟

پاسخ: در هر مورد که نام بردید، درجاتی از خشونت وجود دارد. حل مسأله زبان مادری در ایران، راهکار ساده‌ای دارد اما به آن از دوره‌های گذشته توجه نشده چراکه با موارد دیگری ترکیب شده است. مسأله آموزش به زبان مادری با مسأله خودمختاری و اعلام استقلال با هم مخلوط شده، در صورتی که هیچ ارتباطی با هم ندارند.

البته که عدم وجود آموزش به زبان مادری باعث ایجاد مشکل است. به عنوان مثال وقتی که به یک دانش‌آموز ترک طرز نوشتن «آب» را می‌آموزند، اول باید به او بگویند که این «آب» همان Su است. طبیعتاً این دانش‌آموز رنج می‌کشد که به زبان دیگری، خواندن و نوشتن بیاموزد. این یک خشونت است. او برای درک خواندن و نوشتن کلمات، باید تلاش مضاعفی داشته باشد. هیچ

سالگی در دانشگاه کنار یکدیگر می‌نشینند، نمی‌توانند همدیگر را بفهمند. تناقض‌های غیرقابل فهمی هم در این محدودیت‌ها وجود دارد. کنار هم نشستن دختر و پسر ۱۸ ساله در دانشگاه که تمایلات جنسی بیشتری نسبت به کودکان دختر و پسر ۱۰ ساله دارند، مجاز است، در حالی که دختران و پسران ۱۰ ساله که هنوز آمادگی و نیازی در آن‌ها پرورده نشده را به اجبار از هم جدا می‌کنند.

منظور من این است که مبنا و فلسفه آموزش در ایران مورد سوال است. خشونت‌هایی که به دنبال چنین مبنای نظری آموزشی ایجاد می‌شود، همگی به دلیل همان نظریه اول است. اساساً در مدارس معممین شیعه [حوزه‌های علمیه] که امروز ملاک و مبنا است، زنان حضور نداشته‌اند. آنچه که امروز از حضور زنان در حوزه‌ها می‌بینیم، امر بسیار تازه‌ای است. با این وجود که در آنجا هم تفکیک جنسیتی کاملاً اجرا می‌شود. این مبحث حتی مردسالاری هم نیست بلکه اعمال راهکار «فقط مرد» است. در یکی از فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی بسیار دیده شده، یک معمم شیعه اعلام می‌کند که خداوند تبارک و تعالی، سه نوع موجود آفریده است: «انسان، حیوان و زن». زمانی که چنین دیدگاهی مبنای کار قرار می‌گیرد، می‌توان تا انتها دید که خشونت در هر نقطه و در هر جایی و در هر تکه‌ای از حرکت جامعه نهفته است. وقتی که این مسأله سر باز می‌کند تبدیل به بی‌مبالاتی می‌شود.

در چنین بستری است که ساختار خانواده‌ها در حال شکستن است. مسأله همین افراط در ندیدن واقعیت‌های جامعه و انسان است. به این معنا که چشم‌ها را بسته و یک سری دستورات معممین شیعه را به اجرا درآورده‌اند. تحمیل کردن مجموعه‌ای از گفتار و رفتار که فقط به یک عده از باورمندان مربوط می‌شود، جامعه را در مرحله خشونت قرار می‌دهد. چنین شرایطی بر مدرسه بیش از هر جای دیگری مؤثر خواهد بود چراکه اولین مکان پس از خانه و خانواده است که یک کودک در آن قدم می‌گذارد و با اولین قوانین اجتماعی مواجه می‌شود. مشکل اصلی نظام آموزشی ایران همین قوانین اجتماعی هستند که به جای اینکه فرد را به سمت آگاه شدن ببرد، به سوی محدودیت و به آنجا که باید چادر و مقنعه سر کند، سرودهای خاصی بخواند و ارزش‌های علمی در برابر ارزش‌های باورمندی رنگ ببازد، سوق می‌دهد.



اشکالی ندارد که آموزش را با همین Su آغاز کنیم. حداقل در دوره دبستان، زبان مادری، زبان غالب باشد. در کنار آن آرام آرام زبان مشترک و سپس دو یا سه زبان جهانی آموزش داده شود. به این ترتیب کینه نسبت به زبان مشترک هم کمتر خواهد شد و خشونت هم در کار نخواهد بود. با تمام این اوصاف مردم هم در کنار هم با آرامش می‌توانند زندگی کنند.

در رابطه با تفکیک جنسیتی، می‌توان گفت، جز در استثنا، دختران و پسران در هیچ دوره‌ای در کنار یکدیگر در مدرسه حضور نداشته‌اند. این میزان از کنترل و اجبار که دختران از سطح دبستان مجبور به رعایت حجاب و پوشیدن مقنعه و روسری باشند، این میزان تفکیک و جداسازی جنسیتی و مراقبت از رفتار دختران و پسران اما به ندیدن و عدم شناخت دو جنس از یکدیگر منجر می‌شود. وقتی انسان‌ها یکدیگر را نبینند و در دو قالب مختلف بزرگ شوند، در شناخت یکدیگر و در زندگی اجتماعی هم دچار مشکل می‌شوند. وقتی در سن ۱۸

آن کشور بر پایه نوعی دیکتاتوری یا اقتدارگرایی استوار است که در آن تنبیه کودکان به عنوان یکی از ابزارهای اعمال خشونت برای کنترل افراد و کنترل کودکان به کار گرفته می‌شود.

تنبیه بدنی که در کشورهای دموکراتیک پیش رفته جرم است، گاه در بسیاری از خانواده‌ها رخ می‌دهد. برخی خانواده‌ها همچنان به استفاده از خشونت باور دارند اما آنان هم که باوری به تنبیه ندارند گاه کودک را کتک می‌زنند. این رفتار برخاسته از میراث فرهنگی و اجتماعی دیرینه‌ای است که خشونت علیه کودکان را عادی و موجه و بخشی از نظام تربیتی یا ابزاری برای اعمال اقتدار بدل کرده است. در هر حال تنبیه کودکان امری غیرقانونی، جرم، نوعی شکنجه و تعدی به کرامت انسانی کودک است که گاه والدین همچون روشی برای حل مشکلات و اختلاف با کودک از آن استفاده می‌کنند. در هر دو صورت کودک به عنوان قربانی این نوع تنبیه‌ها، آسیب‌های جدی می‌بیند.

از آنجا که در ایران برای جلوگیری از تنبیه کودکان در خانه و مدارس، قوانین بازدارنده‌ای درخوری وجود ندارد، در نتیجه نوعی عادی‌سازی در این زمینه صورت گرفته است. به این معنا، بی‌توجهی به حقوق و شخصیت کودک، یک نُرْم و هنجار به شمار می‌رود. کتک زدن کودک توسط معلم، ناظم یا والدین بسیار متعارف است. حتی در برخی مناطق فقیرتر و توسعه نیافته‌تر، برخی والدین به معلم اعلام می‌کنند که آنها می‌توانند در مواقع ضرورت و برای یادگیری درس، به تنبیه کودکان بپردازند.

تنبیه کودک روشی برای بازآفرینی رابطه آمریت و تابعیت از دوران کودکی است که یک مکانیسم استبدادی به شمار می‌رود. این که تنبیه مشروعیت قانونی داشته باشد یا در خفا صورت بگیرد فرق چندانی از منظر قربانی ندارد.

عادی‌سازی تنبیه کودکان حتی اگر غیرقانونی هم باشد، باعث شده که این اتفاق آنقدر به‌هنگار بدل شده که بسیاری از پدران و مادران در خانه و معلمان در مدارس به خود اجازه دهند که از آن استفاده کنند بی‌آنکه نگران عکس‌العمل دیگر همکاران و همسایه‌ها باشند یا حتی حساسیت آنان را برانگیزند. در حالی که در یک جامعه دموکراتیک اگر معلمی، دانش آموزی را کتک بزند و تنبیه کند، فوراً از شغل خود اخراج خواهد شد. آن معلم نه الزاماً با شکایت والدین بلکه تنها با اطلاع رسانی همکاران یا هر شاهد ماجرا، با نتایج عمل خود روبه‌رو خواهد شد. اگر در

تنبیه بدنی دانش آموزان در مدارس ایران، به‌عنوان یکی از بارزترین اشکال خشونت علیه کودکان شناخته می‌شود که به دلیل خلاءهای قانونی در زمینه حمایت از کودکان، به‌مثابه یک روش ترتبیتی در سیستم آموزشی ایران همچنان جاری است.

سیستم آموزشی در ایران را شاید بتوان به‌عنوان ملغمه‌ای از عناصر کهنه و مدرن در نظر گرفت که بدون انسجام معناداری در کنار یکدیگر چیده شده‌اند. اعمال تنبیه بدنی علیه دانش آموزان، یکی از مصادیق توسعه نیافتگی این سیستم در دوران مدرن است.

از سوی دیگر، در پروسه استخدام معلمان در ایران، تأکید اصلی بر احراز صلاحیت‌های عقیدتی و سیاسی داوطلبان است و بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای آنها و گذراندن دوره‌های آموزشی برای مواجهه با کودکان، چندان در دستور کار نهادهای آموزشی در ایران نیست.

مهرداد درویش پور، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه ملاردال سوئد اما تنبیه بدنی کودکان را «نوعی از خشونت سازمان‌یافته، نهادینه شده و مشروعیت یافته» می‌داند که «توسط دولت، نظام آموزشی یا نهاد خانواده» در ایران اعمال می‌شود. مجله حقوق ما، برای واکاوی بیشتر این موضوع با این جامعه شناس گفتگو کرده است.

پرسش: تنبیه بدنی کودکان در مدارس در چه بستری اتفاق می‌افتد؟ به بیان دیگر، وجود خشونت در سیستم آموزشی، نمایانگر وجود چه رویکردی در جامعه ایران است؟

پاسخ: اساساً تنبیه بدنی کودک نوعی از خشونت سازمان‌یافته، نهادینه شده و مشروعیت یافته است که توسط دولت، نظام آموزشی یا نهاد خانواده صورت می‌گیرد. بنابر موازین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کودک، تنبیه کودکان نوعی خشونت است. تنبیه بدنی تحت نام تربیت و پرورش در واقع تعدی به بدن کودک است. تنبیه بدنی کودکان، در واقع نوعی کج روی اجتماعی و جرم است که در کشورهای دموکراتیک بر پایه موازین بین‌المللی حقوق بشر و کودک، تعریف شده است. حریم و کرامت شخصیت کودک و جسم و جان او باید از آسیب‌رسانی در امان بماند. مجاز بودن تنبیه کودکان در هر کشوری فقط نشانگر آن است که سیستم قضایی و آموزشی و نظام سیاسی

تنبیه بدنی دانش آموزان در ایران؛ بازآفرینی رابطه آمریت و تابعیت از دوران کودکی

گفتگو با مهرداد درویش پور



آفاق ربیعی زاده

پرسش: تنبیه بدنی کودکان در مدارس در چه بستری اتفاق می‌افتد؟ به بیان دیگر، وجود خشونت در سیستم آموزشی، نمایانگر وجود چه رویکردی در جامعه ایران است؟

پاسخ: اساساً تنبیه بدنی کودک نوعی از خشونت سازمان‌یافته، نهادینه شده و مشروعیت یافته است که توسط دولت، نظام آموزشی یا نهاد خانواده صورت می‌گیرد. بنابر موازین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کودک، تنبیه کودکان نوعی خشونت است. تنبیه بدنی تحت نام تربیت و پرورش در واقع تعدی به بدن کودک است. تنبیه بدنی کودکان، در واقع نوعی کج روی اجتماعی و جرم است که در کشورهای دموکراتیک بر پایه موازین بین‌المللی حقوق بشر و کودک، تعریف شده است. حریم و کرامت شخصیت کودک و جسم و جان او باید از آسیب‌رسانی در امان بماند. مجاز بودن تنبیه کودکان در هر کشوری فقط نشانگر آن است که سیستم قضایی و آموزشی و نظام سیاسی آن کشور بر پایه نوعی دیکتاتوری یا اقتدارگرایی استوار است که در آن تنبیه کودکان به‌عنوان یکی از ابزارهای اعمال خشونت برای کنترل افراد و کنترل کودکان به کار گرفته می‌شود.

تنبیه بدنی که در کشورهای دموکراتیک پیش رفته جرم است، گاه در بسیاری از خانواده‌ها رخ می‌دهد. برخی خانواده‌ها همچنان به استفاده از خشونت باور دارند اما آنان هم که باوری به تنبیه ندارند گاه کودک را کتک می‌زنند. این رفتار برخاسته

تنبیه بدنی دانش آموزان در مدارس ایران، به‌عنوان یکی از بارزترین اشکال خشونت علیه کودکان شناخته می‌شود که به دلیل خلاءهای قانونی در زمینه حمایت از کودکان، به‌مثابه یک روش ترتبیتی در سیستم آموزشی ایران همچنان جاری است.

سیستم آموزشی در ایران را شاید بتوان به‌عنوان ملغمه‌ای از عناصر کهنه و مدرن در نظر گرفت که بدون انسجام معناداری در کنار یکدیگر چیده شده‌اند. اعمال تنبیه بدنی علیه دانش آموزان، یکی از مصادیق توسعه نیافتگی این سیستم در دوران مدرن است.

از سوی دیگر، در پروسه استخدام معلمان در ایران، تأکید اصلی بر احراز صلاحیت‌های عقیدتی و سیاسی داوطلبان است و بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای آنها و گذراندن دوره‌های آموزشی برای مواجهه با کودکان، چندان در دستور کار نهادهای آموزشی در ایران نیست.

مهرداد درویش پور، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه ملاردال سوئد اما تنبیه بدنی کودکان را «نوعی از خشونت سازمان‌یافته، نهادینه شده و مشروعیت یافته» می‌داند که «توسط دولت، نظام آموزشی یا نهاد خانواده» در ایران اعمال می‌شود.

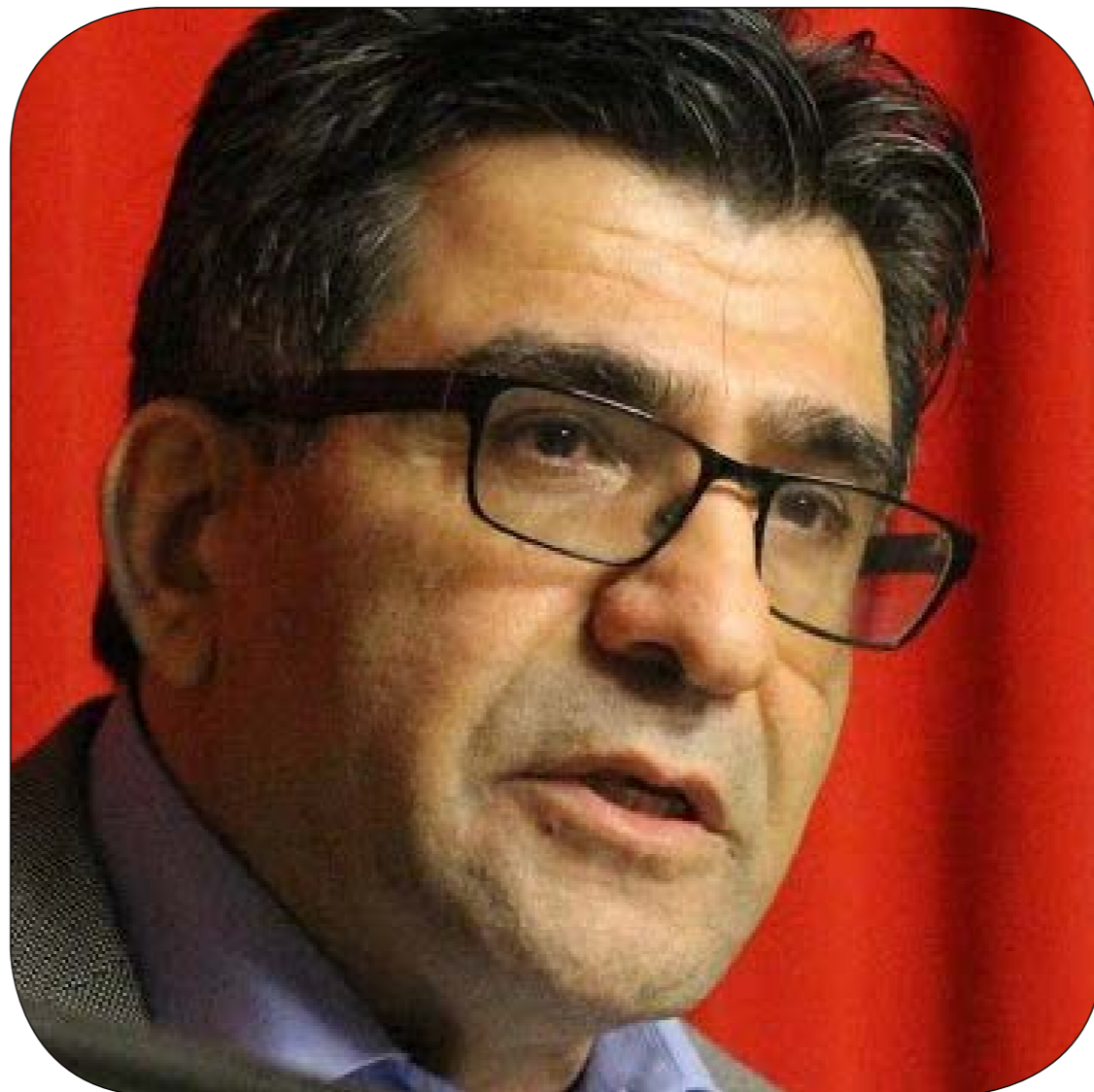
مجله حقوق ما، برای واکاوی بیشتر این موضوع با این جامعه شناس گفتگو کرده است.

کوچه و خیابان، والدینی کودک‌شان را کتک بزنند، تنها با اطلاع رسانی شاهد، آن والدین می‌توانند با خطر از دست دادن کودک خود و سرپرستی او توسط دولت روبرو شوند. چنین والدینی صلاحیت نگهداری از کودک را ندارند چراکه ابتدایی‌ترین حقوق کودک یعنی کرامت او را به رسمیت نمی‌شناسند. در بسیاری از نظام‌های دموکراتیک، خشونت علیه کودکان، جرم شخصی نیست بلکه جرم عمومی شناخته می‌شود. در چنین مواردی لازم نیست که شاکی شخصی وجود داشته باشد. کافی است که فردی به رخ دادن این جرم شهادت دهد. به این ترتیب جامعه خود را در حفاظت از کودکان مسئول می‌داند.

در فرهنگ و موازین دموکراتیک با چنین توجه‌هایی به حقوق کودک روبه‌رویم در حالی که در نظام استبداد دینی حاکم بر ایران، با وجوه مختلفی از خشونت علیه کودکان مواجهیم. از قانونی بودن ازدواج با کودکان که اشکار خشونت و تجاوز جنسی شناخته می‌شود تا اشکال گوناگون مشروعیت بخشیدن به خشونت علیه کودکان. در چنین نظامی شاهد شست‌وشوی مغزی کودک در حوزه تدریس و تحصیل، بدرفتاری‌های گسترده و عدم وجود حمایت قانونی از حقوق کودکان هستیم. نه تنها ممنوعیت جدی در زمینه تنبیه وجود ندارد بلکه یک امر متعارف و عادی به‌شمار می‌رود. تا زمانی که تنبیه کودکان جرم عمومی تعریف نشده امکانی وجود ندارد که با شهادت یک نفر، معلم خاطی مجازات شود.

دستگاه‌های ایدئولوژیک و آموزشی کشور مستقل از کل آن نظام نیستند. نظام استبداد دینی در ایران در برخورد با شهروندان، حقوق‌شان را به رسمیت نمی‌شناسد. در زمینه حقوق کودکان هم با این واقعیت روبه‌رو هستیم. نه تنها در ایران بلکه در همه کشورهای استبداد زده، تنبیه بخشی از دستگاه ایدئولوژیک و جبری حکومت برای تولید رابطه مطلق آمریت و تابعیت است. در چنین محیطی به کودک می‌آموزند که کوچکترین نافرمانی و سرپیچی می‌تواند با مجازات‌های سنگین مواجه شود. از این رو مکانیسم تنبیه بخشی از آماده کردن کودک برای پذیرش استبداد هم به‌شمار می‌رود.

در کشورهای دموکراتیک سعی می‌شود، نفس آموزش هرچه بیشتر دموکراتیک شود اما در جوامعی نظیر ایران، نظام آموزشی بیشتر امرانه و به قصد شست‌وشوی مغزی است. بیش از آنکه علایق و آمادگی‌های کودک در تحصیل مد نظر



قرار بگیرد یا شکل‌های تشویقی آموزش برجسته شود، تنبیه و تبلیغ به اصلی‌ترین ابزار آموزش کودک تبدیل می‌شود. امری که از کودکان یا یک دیکتاتور یا یک فرمانبردار مطیع و مطلق می‌سازد.

پرسش: اینروزها تعداد زیادی از دانش‌آموزان گوشی‌های تلفن هوشمند با خود به مدرسه می‌برند. همین امر موجب انتشار عکس‌ها و فیلم‌های متعدد از خشونت فیزیکی معلمان علیه دانش‌آموزان شده است. به نظر شما، چه عاملی به این خشونت جاری در مدارس ایران دامن می‌زند؟

آیا باید این مساله را سیستماتیک دید یا فردی؟

پاسخ: نخست باید گفت، این نظام‌های سیاسی هستند که مقررات، قوانین و سیاست‌های آموزشی هر کشور را تدوین می‌کنند. بنابراین، در وهله اول، مسئول مستقیم خشونت

ان را نادیده گرفت.

جامعه و افکار عمومی نیز مسئولیت دارند. اینکه در جامعه چقدر به‌عنوان دوست، والدین و حتی به‌عنوان شاهد خشونت، به این مساله واکنش نشان داده می‌شود، بسیار مهم است. اگر جامعه در برابر خشونت علیه کودکان بی‌تفاوت باشد، به سهم خود در عادی‌سازی خشونت موثر است.

جامعه ایران از فرهنگ کودک-محور به دور است و حتی با مفهوم «حقوق کودکان مقدمند» چندان آشنا نیست. باید از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی و همه ابزارهای موجود، حقوق کودکان را به جامعه آموزش داد تا این درجه از خشونت ورزی مسئولان آموزشی علیه کودکان تحمل نشود.

پرسش: در سال‌های اخیر معلمان در نقاط مختلف کشور برای تحقق مطالبات خود نظیر دستیابی به حق آموزش رایگان، تجمعات اعتراضی گوناگونی را سازماندهی کرده‌اند. با در نظر گرفتن وجود معلمان دغدغه‌مند و همچنین با توجه به مبارزات صنفی آنان، آیا می‌توان معلمان ایران را درباره مساله تنبیه بدنی در مدارس، به صورت یک‌دست مورد انتقاد قرار داد؟

پاسخ: بر من روشن نیست چرا نمی‌توان آنها را مورد نقد قرار داد. باید به مساله رواج تنبیه بدنی در مدارس بیش از هر زمان دیگری واکنش نشان داد. اما اینکه کل جامعه معلمان را بابت انتشار چند فیلم درباره خشونت علیه دانش‌آموزان، مورد هجمه قرار داد، به نظر من یک تعمیم نابخردانه است.

از طرف دیگر، مبارزات برحق معلمان به هیچ‌وجه نباید بهانه‌ای برای لاپوشانی و سرکوب حقوق کودکان شود. نمی‌توان توجه به حقوق کودکان را موقوف به شرایطی کرد که معلمان در حال اعتراض نیستند.

البته در زمینه نقض حقوق دانش‌آموزان باید نوک پیکان انتقاد خود را به سوی سیستم آموزشی‌ای گرفت که چنین فرهنگ، قوانین و بستری را در مدارس ایجاد کرده است.

نقد به سرکوب کودکان، تعطیل بردار نیست و باید گفت هیچ شکلی از مبارزه علیه ستم نباید بهانه‌ای باشد تا شکل دیگری از ستم لاپوشانی شود. یک معلم خشونت‌ورز، نمی‌تواند با بهانه اینکه با فقر روبه‌روست، اعمال ستم بر دانش‌آموزان را توجیه کند.

جاری در مدارس ایران، نظام سیاسی حاکم بر کشور است. دوم اینکه، نمی‌توان همه معلمان و مسئولان آموزشی را صرفاً یک مهره بی‌اختیار دید. این افراد هم می‌توانند از قوانین سرپیچی کنند یا برخورد ملایم‌تری با دانش‌آموزان داشته باشند. معلمی که به خشونت علیه کودک متوسل می‌شود، نمی‌تواند کار خود را به بهانه «مأمور و معذور» توجیه کند. چرا که مسئولیت فردی، امری است که در هر حکومتی، حتی نظام‌های دیکتاتوری هم مورد توجه قرار گرفته است.

سیستم آموزشی ایران، با عدم اجرای قوانین بازدارنده و ایجاد بستر برای بروز خشونت علیه کودکان در مدارس، در عادی سازی خشونت در مدارس نقش اساسی داشته‌است. اما حتی همین قوانین هم به ندرت مشوق خشونت فیزیکی معلمان علیه شاگردان برای تربیت‌شان هستند. هم از این رو نباید نقش مسئولیت فردی معلمان در تداوم خشونت در مدارس یا تغییر



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net